



پزشکان بدون مرز، تلاشگران عرصه سلامت

در بین نهادهایی که با عنوان «بدون مرز» فعالیت می کنند، سازمان «پزشکان بدون مرز» از مطرح ترین و قدیمی ترین هاست که حدود ۴۶ سال پیش در فرانسه پایه گذاری شده است. اعضای پزشکان بدون مرز، بر این باورند که همه افراد فارغ از نژاد، جنسیت و مذهب باید به خدمات پزشکی و بهداشتی مناسب دسترسی داشته باشند. به همین علت، نه فقط در شرایط بحرانی مانند بلایای طبیعی و جنگ که حتی در شرایط غیراضطراری هم، برای کمک به افرادی که دسترسی به امکانات درمانی ندارند، وارد عمل می شوند. درون مرزهای ایران هم، پزشکان بدون مرز از سال ۱۳۶۹ برای خدمت رسانی به مردم مناطق محروم تر کشورمان، فعالیت خود را آغاز کرده اند. ارائه مراقبت های پزشکی اورژانسی به زلزله زدگان بم، ارائه خدمات بهداشتی در استان سیستان و بلوچستان و افتتاح یک مرکز درمانی در جنوب تهران از فعالیت های بشردوستانه این سازمان بین المللی در ایران است. اما در مقابل، پزشکان ایرانی هم به عنوان پزشک بدون مرز و به صورت داوطلبانه در کشورهای آفریقایی یا دیگر مناطق جهان که به حداقل خدمات درمانی هم دسترسی ندارند، در حال کار و فعالیت هستند. یکی از این پزشکان، دکتر «ناصر عمادی»، متخصص پوست و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران است که سال هاست به طبابت در آفریقا، عراق و کمپ نجات یافتگان از دست داعش مشغول است.



دکتر عمادی در کنار کودکان نایروبی

■ طبابت بی چشم داشت در قاره سیاه

دکتر «ناصر عمادی»، از رزمندگان و جانبازان هشت سال دفاع مقدس است که در دوران جنگ ایران و عراق به دفعات مجروح و حتی در سال ۶۵ در منطقه فاو شیمیایی شده است. وی که از سال های ابتدایی تحصیل در رشته پزشکی، فعالیت های داوطلبانه خود را آغاز کرده است، از حدود ده سال پیش به طور منظم و مستمر با حضور در کشورهای آفریقایی به درمان بیماری های پوستی مردم آفریقا، خصوصاً مبتلایان به بیماری ایدز می پردازد. دکتر عمادی تاکنون در کشورهای کنیا، زیمبابوئه، سومالی، غنا و بوروندی بیماران نیازمند را معالجه کرده است. وی در خاطرات خود از یکی از سفرهایش به کشور غنا که در وبسایتش منتشر کرده، می نویسد: «به دعوت پروفیسور بوسمیوم استاد دانشگاه و رئیس سابق صلیب سرخ غنا، برای آموزش دانشجویان و پزشکان غنایی و نیز درمان بیماران، با هماهنگی هلال احمر جمهوری اسلامی ایران عازم آکرا پایتخت این کشور شدم. این شاید هفتمین سفرم به غنا از سال ۲۰۰۹ بود [...] در ضمن فرصتی هم فراهم شد تا خانواده غنایی که نام فرزند متولد شده شان در سال ۲۰۱۲ را «عمادی» انتخاب کرده بودند، ملاقات کنم. مادر این خانواده که در سال های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ از فعالیت های بنده در درمان بیماران غنایی آگاه بوده، تصمیم می گیرد نام فرزند پسرش را که خدا در سال ۲۰۱۲ به او عنایت کرده، «عمادی» بگذارد».

■ درمانگاهی به نام امام رضا(ع) در آفریقا

طبابت در کشورهایی که با وجود جمعیت زیاد و تعداد قابل توجه مبتلایان به بیماری های پوستی و ایدز، تعداد بسیار محدودی پزشک متخصص پوست دارند، تنها بخشی از خدمات انسان دوستانه دکتر عمادی است. بخش دیگری از تلاش های وی در کشورهای آفریقایی به آموزش دانشجویان پزشکی معطوف است. همچنین، این پزشک بدون مرز ایرانی به علت فعالیت های مستمر در کشورهای آفریقایی، بارها توسط مقامات بلندپایه این کشورها مورد تقدیر قرار گرفته است تا جایی که در سال ۹۳، مقامات کشور بوروندی به ازای یک ماه حضور و طبابت در این کشور، مبلغ قابل توجهی به وی پیشنهاد می کنند که وی با رد این مبلغ، در خواست نامگذاری کلینیک بیماری های پوستی بیمارستان بزرگ این کشور به نام امام رضا(ع) را می کند. دکتر عمادی درباره پاسخش به مقامات کشور بوروندی می نویسد: «نام امام رضا(ع) بر درمانگاه بیماری های پوست بیمارستان بزرگ بوروندی، کفایت همه توجهات و پرداخت های مادی به اینجانب را می نماید. اکنون به این کشور آفریقایی آمده ام تا اگر چه سفارت را یاریزی در هنگی در این کشور نداریم اما بگویم یک پزشک به موازات طبابت می تواند سفیر سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، علمی، اعتقادی و ملی از سوی مردم و کشورش حتی به تنهایی در کشور و قاره ای دیگر باشد».

منابع:وبسایت دکتر عمادی: www.dr-emadi.ir

وبسایت پزشکان بدون مرز در ایران: www.msf.fr/pezshkane-bedone-marz.html

وبسایت پزشکان بدون مرز فرانسه: www.msf.fr



از کار و زندگی پزشکان ، خبرنگاران و حتی دلکک های بدون مرز چه می دانید؟

مشاغل و خدماتی که مرز نمی شناسند

شود. این ها آدم هایی هستند که به گوش جان می شنوند که در کشوری در آن سوی کره زمین یک نفر «می زند فریاد و امید کمک دارد». بدون مرزها، انجمن های بشردوستانه و غیردولتی هستند که کمک های داوطلبانه شان در زمینه های مختلف مانند ارتقای سلامت، بهبود آموزش و مبارزه با بی عدالتی های اجتماعی محدود به مرزهای یک کشور خاص نمی شود و معمولاً کشورهای زیادی در قاره های مختلف را در برمی گیرد. در پرونده امروز «زندگی سلام» به سراغ این نهادهای «بدون مرز» رفته ایم که برای انسان دوستی شان، خطوط و قرار دادهای روی نقشه جغرافیا را کمرنگ کرده اند. امروز با جزئیات فعالیت های پزشکان بدون مرز و یک پزشک بدون مرز ایرانی آشنا می شوید و در ادامه با دلکک ها، خبرنگارها و کتابدارهای بدون مرز؛ و البته مروری خواهیم داشت بر بدون مرزهای عجیب! با ما همراه باشید.

کتابخانه بدون مرز، یک دنیا ایده در یک جعبه



در سال ۲۰۰۷، «پاتریک ویل»

مورخ فرانسوی، تصمیم گرفت

برای مردم کشورهای در حال

توسعه امکان دسترسی به

اطلاعات و دانش را فراهم کند

تا از این طریق، حتی فقیرترین

مردم جهان هم امکان شکوفایی

خلاقیت و استعدادهای خود را

داشته باشند. تصمیم وی از طریق

اهدای کتاب و تأسیس کتابخانه

های محلی تحقق یافت. اما زلزله

۷ ریشتری در کشور هائیتی در

سال ۲۰۱۰ و تخریب مهم ترین

زیرساخت های این کشور، مؤسس کتابخانه بدون مرز را به فکر انداخت تا به سراغ شکل جدیدی از

کتابخانه ها برود. وی با کمک یک طراح داخلی، کتابخانه جدیدی به نام «جعبه ایده» را خلق کرد. «جعبه

ایده» یک کتابخانه قابل حمل است. این کتابخانه که به یک جعبه بزرگ فلزی شباهت دارد قابل انتقال به

دور افتاده ترین نقاط جغرافیایی است. اما ویژگی جالب تر آن، استحکام بالا و امکان گسترش آن در محل

است، بدین صورت که هر جعبه شامل تعداد قابل توجهی کتاب، لپ تاپ و حتی یک مانیتور بزرگ برای

تماشای فیلم است. صندلی های تاشو و میزهای قابل حمل هم در اطراف هر کدام از جعبه ها تهیه شده.

بدین ترتیب یک کتابخانه واقعی برای مطالعه یا استفاده از دیگر امکانات چندرسانه ای برای افرادی که

در شرایط بحرانی یا اورژانس به سر می برند، در دست می شود. پاتریک ویل معتقد است پس از این که یک

انسان از خطر مرگ نجات یافت و غذا و محل خوابش فراهم شد، نیاز وی به خواندن، نوشتن و برقراری

ارتباط آشکار می شود. کتابخانه بدون مرز هم در پی پاسخ به این نیاز است. چرا که دسترسی به اطلاعات

از نیازهای اساسی هر انسانی است و باعث کاهش بی عدالتی های اجتماعی می شود. تاکنون کتابخانه

بدون مرز با تولید ۴۵ جعبه ایده به بیش از ۵۰ هزار نفر امکان برقراری ارتباط با فرهنگ و دسترسی

به اطلاعات را داده است.

■ خوش بینان بدون مرز

این انجمن در سال ۲۰۰۸، در کشور بلژیک توسط

دو دفتردار اسناد رسمی تأسیس شده است.

هدف آن ها، تغییر ذهن و روحیه مردم به سمت

خوش بینی، اشتیاق، جسارت و تفکر مثبت است.

اعضای این نهاد باور دارند که تفکرات انسان می

تواند تأثیرات عمیقی روی کیفیت زندگی و واقعیت

بیرونی داشته باشد. در نتیجه، مبارزه با یاس،

ناامیدی و تفکرات منفی از ماموریت های اصلی این

گروه است. این انجمن در کشورهای مختلفی مثل

فرانسه، بلژیک، آلمان، نروژ، اسپانیا، سوئیس، هلند

و کانادا فعال است. ارسال «نامه امیدواری»، ایمیل

حاوی مطالب آموزشی روان شناسانه به صورت

هفتگی برای اعضای انجمن، برگزاری جلسات

مستمر به منظور گفت وگو و تبادل نظر درباره مثبت

اندیشی و... از فعالیت های خوش بینان بدون مرز

است.

دلقک های بدون مرز، سفیران لبخند

بیشتر کسانی که به دنبال حمایت

از مردم سرزمین های فقیر

هستند، عمدتاً به نیازهایی مانند

سلامت و بهداشت، رژیم غذایی

سالم و سرپناه فکر می کنند. اما

دسته دیگری از افراد هم هستند

که وراى تمام این کمبودهای

مادی و فیزیکی، نیاز به شادی

و خنده را ضروری می دانند.

«تورتل پولرتونا»، دلقک معروف

اسپانیایی و ستاره سیرک های

این کشور، به گروه دوم تعلق دارد.

وی زمانی که برای اولین بار به

اجرای برنامه برای پناهندگان پرداخت، ضرورت وجود شادی و نشاط را در بین این افراد درک کرد.

پناهندگان می گفتند: «می دانید دلمان بیشتر از همه برای چه تنگ شده؟ برای یک کم خنده». بدین

ترتیب «تورتل پولرتونا» از دیگر دلقک های حرفه ای اسپانیا و هنرمندان سیرک دعوت به همکاری کرد

تا در کنار هم انجمن دلقک های بدون مرز را تشکیل بدهند. این هنرمندان به کمک های پناهندگان و

مناطق که جنگ یا بلایای طبیعی ویرانی به بار آورده اند، سفر و تلاش می کنند تا با اجرای نمایش های

کمدی، درد و رنج این افراد را برایشان قابل تحمل کنند. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۴، پس از سونامی

اقیانوس هند در کشور سریلانکا، دلقک های بدون مرز همزمان با پزشکان بدون مرز به این کشور سفر

کردند. این هنرمندان تلاش کردند با نمایش های خود لبخند را به لب ۷۰۰ دانش آموزی بیاورند که

از میان دانش آموزان یک مدرسه ۱۵۰۰ نفره نجات یافته بودند و در غم از دست دادن هم کلاسی های

خود به سر می بردند. این انجمن که هم اکنون در کشورهای دیگری همچون فرانسه، آمریکا، آلمان،

سوئد و بلژیک نیز تشکیل شده است سالانه برنامه های متنوعی در کشورهای بحران زده ترتیب می

دهد و حدود ۴۰۰ هزار کودک در سال، تماشاگر نمایش دلقک های آن هستند. دلقک های بدون مرز

معتقدند با خنده، بهتر می توان در برابر مشکلات مقاومت کرد.



اجرای برنامه برای پناهندگان پرداخت، ضرورت وجود شادی و نشاط را در بین این افراد درک کرد.

پناهندگان می گفتند: «می دانید دلمان بیشتر از همه برای چه تنگ شده؟ برای یک کم خنده». بدین

ترتیب «تورتل پولرتونا» از دیگر دلقک های حرفه ای اسپانیا و هنرمندان سیرک دعوت به همکاری کرد

تا در کنار هم انجمن دلقک های بدون مرز را تشکیل بدهند. این هنرمندان به کمک های پناهندگان و

مناطق که جنگ یا بلایای طبیعی ویرانی به بار آورده اند، سفر و تلاش می کنند تا با اجرای نمایش های

کمدی، درد و رنج این افراد را برایشان قابل تحمل کنند. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۴، پس از سونامی

اقیانوس هند در کشور سریلانکا، دلقک های بدون مرز همزمان با پزشکان بدون مرز به این کشور سفر

کردند. این هنرمندان تلاش کردند با نمایش های خود لبخند را به لب ۷۰۰ دانش آموزی بیاورند که

از میان دانش آموزان یک مدرسه ۱۵۰۰ نفره نجات یافته بودند و در غم از دست دادن هم کلاسی های

خود به سر می بردند. این انجمن که هم اکنون در کشورهای دیگری همچون فرانسه، آمریکا، آلمان،

سوئد و بلژیک نیز تشکیل شده است سالانه برنامه های متنوعی در کشورهای بحران زده ترتیب می

دهد و حدود ۴۰۰ هزار کودک در سال، تماشاگر نمایش دلقک های آن هستند. دلقک های بدون مرز

معتقدند با خنده، بهتر می توان در برابر مشکلات مقاومت کرد.

خبرنگاران بدون مرز، نمایندگان آگاهی

تا به حال فکر کرده اید که دنیا بدون خبرنگاران چه شکلی می شد؟ هیچ گاه نمی توانستیم از آنچه در

سراسر جهان می گذرد خبر موثقی داشته باشیم. در بی خبری و دوری از اخبار دست و پا می زدیم یا در

بهترین حالت، غرق در انبوهی از شایعات و اخبار ناموثق بودیم. در طول تاریخ، خبرنگاران بسیاری بوده اند

که علاوه بر گزارش خبرهای مختلف شهر و کشورشان، به دنبال رساندن اخبار راه های دور، جنگ های

سخت و مناطق دورافتاده جهان بوده اند؛ولو با یک یادداشت کوتاه یا یک عکس ساده. «گرداتارو» از «عکاس»

خبرنگاران بدون مرزی است که به عنوان اولین زن عکاس جنگ نیز شناخته می شود. تارو به خاطر عکس

هایی که از جنگ داخلی اسپانیا برای نشریات مختلف ثبت کرده، شناخته شده است. بانوی عکاس آلمانی

که با ظهور نازیسم به فرانسه گریخته بود، ضدیت با فاشیسم را مبنای گزارش های خود از جنگ قرار داد.

گرداتارو، در اوج جوانی و در ۲۶ سالگی، در حالی که بخش عمده ای از زندگی کوتاه و فعالیت حرفه ای اش

به تهیه عکس های خبری از نبرد داخلی اسپانیا گذشته بود، بر اثر برخورد با تانک در خط مقدم همان جنگ

کشته شد. اما رسالت خبرنگاران محدود به تهیه گزارش از مناطق بحران زده نیست، بلکه باز کردن چشم

مخاطب روی حقایق هم، بخشی از این رسالت است. در این مسیر، بسیاری از خبرنگاران برای گفت وگو با

دیکتاتورهای جهان به اقصی نقاط این کره خاکی سفر کرده اند. «ریکاردو اوریتزیو» روزنامه نگار ایتالیایی،

به مدت چندین سال، زندگی هفت دیکتاتور جهان را تعقیب کرده و پس از سرنگونی آن ها از قدرت، به

سراغشان رفته است. هدف اوریتزیو از این مصاحبه ها، بررسی اعمال پیشین و دیدگاه های جدید این هفت

دیکتاتور پس از، از دست دادن قدرت است. «عبدی امین» دیکتاتور نظامی و سومین رئیس جمهور اوگاندا،

«ژان-پدل بوکاسا» امپراتور خودکامه و مشهور به قصاب آفریقایی مرکزی و ... از جمله افرادی هستند

که ریکاردو با آن ها مصاحبه کرده و حتی به خاطر انجام برخی از این مصاحبه ها بازداشت شده است.